

بررسی بی‌سازمانی و آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای استان مازندران^۱

عزت‌الله نصرتی‌پایانی^۲، علی اصغر عباسی‌اسفجیر^۳، علی رحمانی‌فیروز‌جاه^۴

تاریخ دریافت: 1399/06/23

از صفحه 55 تا 76

بزهنامه جغرافیای انتظامی

تاریخ پذیرش: 1399/09/21

سال هشتم، شماره سی‌ویکم، پاییز 1399

چکیده

آسیب‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین معضلات جامعه و بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی امروزی در مناطق حاشیه‌ای استان مازندران را تشکیل می‌دهند. پژوهش حاضر با هدف بررسی بی‌سازمانی و آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای (۱۹ منطقه آلوده) استان مازندران در سال (۱۳۹۸) انجام شده است. روش پژوهش از نوع پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. جامعه آماری آن به تعداد (۲۰۰۰۰) نفر را تشکیل می‌دهند که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه‌ای به تعداد (۱۸۹) نفر انتخاب و از روش نمونه‌گیری هدفمند در دسترس استفاده شد. رویکرد کمی پژوهش تلاشی به‌منظور گروه‌بندی آسیب‌ها بر مبنای دسته‌بندی موضوع و همچنین تعیین علل آسیب‌ها می‌باشد؛ همچنین به کمک روش کمی با تحلیل عاملی اکتشافی، مفاهیم شناسایی و مورد آزمون تجربی قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند از بین متغیرها، «خانواده‌های ازهم‌گسیخته» با ضریب بتای (۰/۲۵۷)، تأثیرگذاری بیشتری از سایر متغیرها داشته است؛ یعنی با کنترل سایر متغیرها، به ازای یک واحد تغییر در پایگاه اقتصادی و اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی (۰/۳۹۸) واحد تغییر می‌کند. مقایسه صورت گرفته بین یافته‌های پژوهش و نتایج ادبیات تجربی نشانگر آن است که ساختار مناطق حاشیه‌ای در استان مازندران با وضعیت بی‌سازمانی مواجه‌اند و این وضعیت سبب بروز انواع آسیب‌های اجتماعی می‌شود؛ بنابراین به‌منظور برون‌رفت از این آسیب‌ها می‌بایست ریشه بروز این مشکلات را با استفاده از متخصصین مجرب مورد شناسایی قرار داد و ضرورت تغییر رویکرد از اقدامات انتظامی، امنیتی، روان‌شناختی، فردی و فقط مددکارانه به سمت رویکردهای اجتماعی متناسب با هر منطقه به‌شدت احساس می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آسیب اجتماعی، مناطق حاشیه‌ای، بی‌سازمانی و مازندران.

1 - این مقاله از رساله دکتری عزت‌الله نصرتی‌پایانی با عنوان «بررسی بی‌سازمانی و آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای استان مازندران» دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل استخراج شده است.

2 - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، بابل، ایران.

3 - دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، بابل، ایران (نویسنده مسئول)، asfajir@hotmail.com

4 - دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، بابل، ایران.

آسیب‌های اجتماعی نوعی بی‌سازمانی است که به شکل مستمر و فزاینده‌ای ارزش‌های محوری جامعه را مورد چالش قرار می‌دهد که در بستر اجتماعی متأثر از اختلال کارکردی در نظم اجتماعی و نابرابری در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. آن‌ها در عمق، مسائل اساسی نظیر تورم، بیکاری و فقر را تولید و در سطح، انحرافات اجتماعی را در حوزه امنیت عمومی بازتولید می‌کنند.

به عبارتی یکی از دغدغه‌های دست‌اندرکاران مسائل اجتماعی کشور تعیین حدود و ثغور آسیب‌های اجتماعی و استقرار امنیت و احساس آن بوده است. احساس امنیت حالتی است که در آن ارضاء احتیاجات و خواسته‌های فردی و اجتماعی افراد انجام و شخص در آن احساس ارزش، اطمینان خاطر و اعتماد به نفس کند (شعاری‌نژاد، ۱۳۶۴: ۲۸). احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان وجود جرم و شرایط جرم‌خیز در جامعه بازمی‌گردد و هر مقدار فراوانی جرم و شرایط جرم‌خیز بالاتر باشد، احساس امنیت شهروندان پایین‌تر است (بیات، ۱۳۸۷: ۱۷).

(۱۹) منطقه آلوده، محله‌های حاشیه شهرستان‌های استان مازندران برابر نامه ارسال شده از پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا به شماره ۳۲/۱۴/۳/۱۱۷۰۰۲/۹۶۱۱۴۰ با آنکه پیشینه تاریخی و حتی اقتصادی طولانی دارند، امروزه به محله‌های پرمسئله و پراسیب تبدیل شده‌اند؛ به گونه‌ای که از آن‌ها می‌توان به عنوان محله‌های رهاشده یا فراپاشیده اشاره کرد. با وجود مداخله‌های مقطعی و سطحی که در این محله‌ها بیشتر در سطح فیزیکی و نه اجتماعی انجام شده است؛ همچنان در این مناطق، آسیب‌های اجتماعی آشکار و پنهان رخ می‌دهد. وجود بافت فرسوده و قدیمی، انواع خانواده‌های نابسامان، درگیری و نزاع، کودکان کار و خیابانی، اعتیاد و فروش موادمخدر، فحشا و همباشی، مهاجرت افراد فقیر و آسیب‌دیده و ... همه نشان از وضعیت نابسامان و رهاشده این مناطق دارد. به شکل نظری می‌توان گفت که ساختار بی‌سازمان این محله، زمینه‌ساز بروز انواع آسیب‌های اجتماعی است. محله‌های با وضعیت بی‌سازمانی، دارای سه ویژگی هستند: جمعیت ناهمگون، تحرک جمعیت بالا و تعلق اکثر ساکنان آن‌ها به پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین. این شرایط مانع شکل‌گیری

بررسی بی‌سازمانی و آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای استان مازندران 57
 هنجارهای تأثیرگذار بر افراد می‌شود که نتیجه آن شکستن هنجارها و فواید اجتماعی و بروز انواع آسیب‌های اجتماعی در سطح درون محله و حتی فراتر از آن است.

بنابراین در این پژوهش به بررسی بی‌سازمانی و آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای استان مازندران پرداخته و بر اساس یکی از تئوری‌های ساختاری یعنی بی‌سازمانی و آسیب‌های اجتماعی آن را مورد بحث قرار داده‌اند؛ زیرا ریشه‌های تاریخی رویکرد بی‌سازمانی در مطالعات جغرافیایی در ابتدای قرن هیجدهم قرار دارد. جایی که بعدها تبیین چرایی و وجود عنصرهای جرم و انحرافات شهری در محله‌های شهری توسط «سامپسون» و «گراوز» به کار برده شد و چنین استدلال کردند که رفتار انسان را می‌توان بر حسب محیط شهری او تبیین کرد. به‌ویژه آنان مدعی بودند که در اثر توسعه شهرهای بزرگ، محله‌های شخصی به وجود می‌آیند که هرکدام شیوه‌های خاص خود را دارند (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۳۵۲). پیش‌فرض بی‌سازمانی این است که ساختار بی‌سازمان یک محله شهری می‌تواند تبیین‌کننده وجود انواع آسیب‌های اجتماعی در این محله‌ها باشد با ذکر این مقدمه هدف و پرسش اصلی این پژوهش به شرح زیر مطرح است که:

بی‌سازمانی و آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای استان مازندران چگونه است؟

پیشینه پژوهش

در بررسی‌های به‌عمل‌آمده مشخص شد که پژوهش‌های زیادی (جدول شماره ۱) در زمینه بی‌سازمانی و عوامل بروز آسیب‌های اجتماعی به شرح زیر انجام شده است.

جدول شماره (۱). پیشینه پژوهش.

پژوهش	سال	یافته
احتشامی، بیات، دلیری و شعبانی	۱۳۹۷	نتایج نشان داده است که هرکدام از ابعاد (فرهنگی، اجتماعی، کالبدی، اقتصادی، کنترل و نظارت) به میزان و طریقی می‌تواند بستر ایجاد نقاط بحرانی باشد.
دهقانی و اکبرزاده	۱۳۹۶	نتایج نشان داده است که جستجو برای کار و برخوردار نبودن از مسکن و رفاه اقتصادی از دلایل شکل‌گیری و افزایش بی‌رویه حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی در شهر اصفهان بوده‌اند.
حسین‌زاده	۱۳۹۶	نتایج پژوهش نشان داده است که میان میزان تراکم جمعیت و جرائم خشن نیز رابطه مستقیمی می‌بیند و مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، طراحی محیطی، فضاهای شهری و عوامل اقتصادی و اجتماعی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر وقوع جرائم خشن دارند.

پژوهش	سال	یافته
پروین، درویشی فرد و کاظمی	۱۳۹۵	نتایج «بی‌سازمانی اجتماعی و آسیب‌های پنهان شهری» نشان داده است که بی‌سازمانی محله، زمینه‌ساز این آسیب پنهان شهری است.
رامین	۱۳۹۵	نتایج عملکرد شهرداری تهران را در مدیریت آسیب‌های اجتماعی نشان داده است که نمایشگری عملکردی و توجه به منظره شهری از راهبردهای اصلی شهرداری در مدیریت آسیب‌های اجتماعی است.
ابراهیمی‌فلاح	۱۳۹۴	نتایج «شناخت ابعاد و زمینه‌های مؤثر در فضای بی‌دفاع شهری؛ مورد مطالعه: محله فرحزاد تهران» نشان داده است که امنیت پایین به همراه جرائم بالا در کنار آسیب‌های اجتماعی بالا است و در نظر او فضای بی‌دفاع شهری یا فضای دفاع‌ناپذیر شهری نسبت به محله جرم‌خیز مفهوم جدیدتری است.
اکبری	۱۳۹۳	نتایج «بررسی نقش نظارت‌های غیررسمی بر امنیت مناطق بی‌دفاع شهری»، نشان داده است که بین نظارت غیررسمی و امنیت اجتماعی در مناطق بی‌دفاع شهری رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین بین نظارت رسمی، وجدان جمعی، پیوند فرد با جامعه، تعلق فرد به گروه‌های اجتماعی و امنیت اجتماعی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد.
محسنی و نصرتی	۱۳۹۳	نتایج پژوهش نشان داده است که فقر، بیکاری، مشاغل کاذب، مهاجرت، تكدی و مسکن مهم‌ترین آسیب‌های اقتصادی شهر؛ اعتیاد، حاشیه‌نشینی، طلاق، کودکان خیابانی، سرقت، مزاحمت خیابانی، وندالیسم و خشونت به‌عنوان مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی شهر؛ بدحجابی و قومیت‌گرایی، تعارض‌های فرهنگی و ناهنجاری‌های آموزشی مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگی شهر و ترافیک، آلودگی و نامناسب بودن معابر و خیابان‌ها از مهم‌ترین آسیب‌های فیزیکی شهر بوده‌اند.
امیری، پورموسوی و صادقی	۱۳۹۲	نتایج کلی و یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که مدیران منطقه (۱۹)، خاستگاه آسیب‌های اجتماعی را مسائل خانوادگی و اقتصادی می‌دانند و بیکاری، اعتیاد و تكدی‌گری را مهم‌ترین آسیب‌ها معرفی کرده‌اند. فقر و طلاق با رتبه دو و پنج، مهم‌ترین دلایل بروز آسیب‌های اجتماعی‌اند.
توسلی و نورمرادی	۱۳۹۱	نتایج نشان داده است که انحرافات جنسی، دزدی و نداشتن امنیت از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی خاک‌سفید است که ساکنان این منطقه با آن مواجه‌اند. مهم‌ترین پیشنهاد و خواسته پاسخگویان، استقرار هر چه بیشتر نیروهای امنیتی و پلیس در خاک سفید و اقدامات سریع مسئولان جامعه برای کاهش و کنترل این آسیب از طریق برنامه‌ریزی‌های درمان‌مدار و مداخله‌های مؤثر اجتماعی است و نداشتن آرامش در منطقه (۱۹) (جرم‌خیز) بالا و در مناطق (۱) و (۳) پایین است.
راین‌واتر ^۱	۲۰۱۶	نتایج پژوهش نشان داده است که (۷۰) درصد از پاسخگویان معتقدند امنیت شهری جرائم و ترافیک و ۲۰۱۶ و جرائم شهری از مهم‌ترین مسائل شهرهای امروزد و حفظ امنیت و کاهش جرائم شهری مهم‌ترین اولویت برنامه‌های مدیران شهری در مدیریت شهر است.

پژوهش	سال	یافته
والیس ^۱	۲۰۱۱	نتایج پژوهش نشان داده است که اهمیت یافتن مراکز حاشیه‌نشین شهر و در حاشیه قرار گرفتن مراکز شهرها (غلبه حاشیه بر متن) به واسطه افزایش مهاجرت به حاشیه‌های شهرها است. همچنین این پژوهش به نقش رفتار افراد، تضعیف روابط خانوادگی، همسایگی و شبکه‌های محلی در گسترش آسیب‌های اجتماعی پرداخته است.
ویلسون ^۲	۲۰۱۰	نشان داده است که محله‌های آسیب‌خیز و جرم‌خیز متمرکز شده از نظر بوم‌شناختی دچار انزوای اجتماعی شده‌اند و به صورت برش‌های معیوب جمعیتی درآمده‌اند. در نتیجه چنین اتفاقاتی، میزان رشد جرائم به شکل عنان‌گسیخته‌ای در این مناطق افزایش یافته است.
کاساردا ^۳	۲۰۰۱	نشان داده است که عمومی‌ترین شاخص نابسامانی اجتماعی، اندازه‌گیری درصد رسمی فقر در محدوده داده‌شده یک شهر است. کاساردا همچنین تأکید دارد که افزون بر فقر، نابسامانی اجتماعی با آسیب‌شناسی شرایط اجتماعی نیز ارتباط دارد.
سامپسون و گراوز ^۴	۱۹۸۹	نشان داده است پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین، مهاجرت، تنوع‌نژادی و شهری‌شدن در اجتماعات محلی که پیوندهای اجتماعی قوی‌تری دارند و کنترل غیررسمی در آن‌ها بیشتر است، میزان آسیب‌ها و جرائم کمتر است.

مبانی نظری پژوهش

آسیب‌های اجتماعی

آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیررسمی جامعه، محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرند و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبه‌رو می‌شوند. به همین دلیل، کجروان سعی دارند کجروی‌های خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان کنند؛ زیرا در غیر این صورت با پیگرد قانونی، تکفیر اخلاقی و طرد اجتماعی مواجه می‌شوند (عبداللهی، ۱۳۸۵: ۱۵).

آسیب اجتماعی، زاده فضای اجتماعی است که در آن کنشگران فردی و جمعی در تعامل باهم هستند؛ بنابراین همه افراد و گروه‌های اجتماعی جامعه در فرآیند پیدایش

1 - Wallis

2- Wilson

3- cassarda

4- Sampson & Groves

مسائل اجتماعی سهیم‌اند ولی عوارض سوء مسائل اجتماعی بیشتر دامن گیر افشار پایین جامعه می‌شود.

آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان اعمالی که هنجارهای جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهند و نظام اجتماعی را تهدید می‌کنند در هر جامعه‌ای اهمیت جدی دارند. رشد و تنوع آسیب‌ها در شهرها به‌واسطه شرایط خاص افزایش روزافزون جمعیت و مهاجرت‌های بی‌رویه، گسترش حاشیه‌نشینی، نبود مهارت‌های زندگی در کلان‌شهر و گسست نظام‌های سنتی و پیوندهای عاطفی و خانوادگی، آسیب‌پذیری شهروندان به دلیل مشکلات اجتماعی و اقتصادی و ... هشداردهنده است و باید برای مهار و کاهش آن اقدام اساسی صورت گیرد (ساعی، ۱۳۹۰: ۵۲).

بی‌سازمانی اجتماعی

بر اساس این رویکرد نظری، ساختار بی‌سازمان یک محله شهری می‌تواند تبیین‌کننده وجود جرم در این محله‌ها باشد. به‌طور کلی بی‌سازمانی به دلیل تغییرات اساسی ایجاد می‌شود و در نتیجه این تغییرات، شیرازه هنجارهای اجتماعی از هم می‌پاشد و این هنجارها توان تنظیم رفتارهای اجتماعی را از دست می‌دهند (پروین، ۱۳۹۱: ۵۷).

با توجه به تعریف‌های بالا، نگاه نظری پژوهش این است که بی‌سازمانی در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران به وجود آورنده انواع آسیب‌های اجتماعی است. رویکرد تاریخی بی‌سازمانی اجتماعی در پی مطالعات دهه (۱۹۲۰) و (۱۹۳۰) «مکتب شیگاگو» تکوین یافته است. این مفهوم توسط نظریه‌پردازان متعدد این مکتب، از جمله «شاو و مک‌کی»، «تامس»، «زنانیک»، «سامپسون و گراوز» و ... در تبیین چرایی وجود عنصر جرم و انحرافات شهری در محله‌های شهری به کار رفته است.

پیش‌فرض

نظریه‌های بی‌سازمانی، جامعه را یک نظام پیچیده و پویا می‌داند که بخش‌های مختلف آن از طریق قواعد و مقررات اجتماعی با یکدیگر هماهنگ و منظم می‌شوند. هنگامی که مسئله‌ای یک بخش از نظام را تغییر می‌دهد، سایر بخش‌های آن نیز باید خود را با آن بخش هماهنگ و سازگار کنند. از نگاه این نظریه، مسائل اجتماعی محصول درهم‌ریختگی سازمان اجتماعی و فرهنگی است؛ چنان‌که طلاق، جنایت،

جنگ، خودکشی، اعتیاد، خشونت، الکلیسم و سایر مسائل اجتماعی از این نگاه برآیند گسیختگی مناسبات هنجارین مردمی است که جامعه، ثبات و استمرار خود را مدیون آن‌هاست. پیروان نظریه‌های بی‌سازمانی راه‌حل مسائل اجتماعی را در ایجاد قوانین کارآمد یا کاهش سرعت تغییرات اجتماعی در راستای احیاء هماهنگی پیشین نظام اجتماعی خلاصه می‌کنند. به اعتقاد آنان، راه‌حل بزهکاری عبارت است از ایجاد و تقویت قواعد اجتماعی مناسب، صریح، قابل‌اجرا و سازگار برای کنترل وضعیت‌ها از طریق هماهنگ‌سازی رفتار مردم و نظام که در پرتو ارزیابی و تعدیل دائمی قواعد مزبور همواره در راه رفع نیازهای انسانی جامعه گام نهاده و رفع‌کننده نیاز بزهکاری می‌شود.

از جمله نظریه‌های که با این پژوهش ارتباط بیشتری دارند؛ نظریه‌های سامپسون و گراوز است. سامپسون و گراوز یک مدل علیّ از بی‌سازمانی را ارائه داده‌اند که در آن، ساختار محله (پایگاه اقتصادی، همگونی قومی، تحرک سکونتی، ازهم‌گسیختگی خانواده و شهرنشینی) در سازمان اجتماعی (شبکه‌های دوستی، نظارت بر گروه‌های جوان و مشارکت در سازمان‌های محلی) تأثیر دارد، از نظر آن‌ها سازمان‌های اجتماعی سطح جرم و بزهکاری را تعیین می‌کنند. از نظر سامپسون، فقر، ازهم‌گسیختگی خانواده و بی‌ثباتی مکانی از جمله ویژگی‌های ساختاری‌ای هستند که مانع روابط میان همسایه‌ها می‌شوند و درگیری آن‌ها را در سازمان‌های محلی کاهش می‌دهند. به خاطر سرمایه‌اجتماعی پایین، این محله‌ها قادر به اعمال کنترل‌های جمعی مؤثر در نواحی عمومی مانند خیابان‌ها و پارک‌ها نیستند. سامپسون و همکاران، مفهوم کارآمدی جمعی را در تکمیل نظریه بی‌سازمانی ارائه کرده‌اند (ویتو و دیگران، ۲۰۰۷: ۱۴۹). در نهایت می‌توان گفت که بی‌سازمانی به معنای شرایطی است که بر توانایی یک محله در شناخت ارزش‌های ساکنان و یا حل مسائل عمومی آن‌ها اثر می‌کند (گراوند، ۲۰۰۹).

رویکرد نظری پژوهش حاضر این است که حاشیه‌های شهرهای استان مازندران با وضعیت بی‌سازمانی مواجه است و این وضعیت می‌تواند در تبیین و چرایی وجود آسیب‌های اجتماعی و انحرافات مورد استفاده قرار گیرد. از جمله نشانگرهای این وضعیت می‌توان به مواردی مانند تحرک و تراکم بالای جمعیت، فقر و پایگاه اقتصادی و اجتماعی آسیب‌زا، ناهمگونی ساکنان محله، فرسودگی ساختمان‌ها و ازهم‌گسیختگی خانواده‌ها اشاره کرد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه است. جامعه آماری آن به تعداد (۲۰۰۰۰) نفر (نوزده منطقه آلوده) است که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه‌ای به تعداد (۱۸۹) نفر انتخاب و از روش نمونه‌گیری هدفمند در دسترس استفاده شد. رویکرد کمی پژوهش تلاشی به منظور گروه‌بندی آسیب‌ها بر مبنای دسته‌بندی موضوع و همچنین تعیین علل آسیب‌ها می‌باشد؛ همچنین به کمک روش کمی با تحلیل عاملی اکتشافی، مفاهیم شناسایی و مورد آزمون تجربی قرار گرفتند.

واحد تحلیل در این پژوهش فرد پاسخگو است. بدین ترتیب سطح تحلیل نیز خرد است. همچنین آزمون مقایسه‌ای t به منظور مقایسه نمرات موجود با نمرات معیار نشان داده است که تمام مقادیر نمرات مربوط به متغیرها بر اساس نمره معیار (۳) بزرگ‌تر از (۳) هستند و این اختلاف در همه موارد با اطمینان (۹۵) درصد، نشان از معنادار بودن دارد.

نوع جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی و اسنادی بوده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. به طور مشخص، برای شناسایی متغیرها از روش تحلیل عاملی اکتشافی برای مبانی نظری و مصاحبه با متخصصان جمع‌آوری شده است و در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی، نمودار، جدول، میانگین و انحراف استاندارد و در بخش آمار استنباطی برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است؛ همچنین گفتنی است که تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای «آموس» و «اس‌پی‌اس-اس»^۱ انجام گرفته است.

قلمرو پژوهش

قلمرو موضوعی پژوهش بررسی مناطق حاد بحرانی^۲ از لحاظ بی‌سازمانی و آسیب‌های اجتماعی در استان مازندران است و قلمرو آن محدود به شهرستان‌های بهشهر، نکا، ساری، قائم‌شهر، بابل و آمل می‌باشد. شهرستان‌های بهشهر (قنبرآباد و

1- SPSS19 & Amos

2- برابر نامه ارسال شده از پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا به شماره ۳۲/۱۴/۳/۱۱۷۰۰۲/۹۶۱۱۴۰

63 بررسی بی‌سازمانی و آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای استان مازندران
 گلشهر)، نکا (عباس‌آباد)، ساری (ترک‌محله، پلیس‌راه، غفاری و نوبنیاد)، قائم‌شهر
 (گونی‌بافی، پشت کنسرو، شهدامحله، ترک‌محله، سمنادشت و مفت‌آباد)، بابل (موزیرج،
 سادات‌محله، گتی‌غربی و هفت‌تن) و آمل (دباغ‌چال و رضوان) مکان‌های درگیر
 آسیب‌های اجتماعی مدنظر این پژوهش هستند.

یافته‌ها پژوهش

یافته‌های توصیفی

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی نشان داد با توجه به جمعیت
 شهرستان‌های مربوطه (۱۹ منطقه حاد)، شهرستان‌های بهشهر (قنبرآباد و گلشهر)، نکا
 (عباس‌آباد)، ساری (ترک‌محله، پلیس‌راه، غفاری و نوبنیاد)، قائم‌شهر (گونی‌بافی، پشت‌کنسرو،
 شهدامحله، ترک‌محله، سمنادشت و مفت‌آباد)، بابل (موزیرج، سادات‌محله، گتی‌غربی و
 هفت‌تن) و آمل (دباغ‌چال و رضوان) مکان‌های درگیر آسیب‌های اجتماعی می‌باشند.

جدول شماره (۲). توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب محله زندگی.

محله	فراوانی	درصد فراوانی
شهرستان بهشهر محله قنبرآباد	۱۰	۵۰۳
شهرستان بهشهر محله گلشهر	۱۰	۵۰۳
شهرستان نکا محله عباس‌آباد	۱۰	۵۰۳
شهرستان ساری محله پلیس‌راه	۱۰	۵۰۳
شهرستان ساری محله غفاری	۱۰	۵۰۳
شهرستان ساری محله نوبنیاد	۱۰	۵۰۳
شهرستان ساری محله ترک‌محله	۱۰	۵۰۳
شهرستان قائم‌شهر محله گونی‌بافی	۱۰	۵۰۳
شهرستان قائم‌شهر محله پشت‌کنسرو	۱۰	۵۰۳
شهرستان قائم‌شهر محله شهدامحله	۱۰	۵۰۳
شهرستان قائم‌شهر محله ترک‌محله	۱۰	۵۰۳
شهرستان قائم‌شهر محله سمنادشت	۱۰	۵۰۳
شهرستان قائم‌شهر محله مفت‌آباد	۱۰	۵۰۳
شهرستان بابل محله موزیرج	۱۰	۵۰۳
شهرستان بابل محله هفت‌تن	۱۰	۵۰۳
شهرستان بابل محله سادات‌محله	۱۰	۵۰۳
شهرستان بابل محله گتی‌غربی	۱۰	۵۰۳

محلله	فراوانی	درصد فراوانی
شهرستان آمل محلله دباغ چال	۹	۴۰۸
شهرستان آمل محلله رضوان	۱۰	۵۰۳
مجموع	۱۸۹	۱۰۰

از یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که تناسب حجم نمونه در این پژوهش مناسب بوده است و از هر منطقه حد، (۱۰) نفر انتخاب و اطلاعات از روش مشاهده و مصاحبه جمع‌آوری شده است، به‌طوری‌که یک‌سوم پاسخگویان را زنان تشکیل می‌دهند و از نظر میزان سواد اکثریت باسواد بوده‌اند و آگاهی لازم نسبت به پرسش‌ها را داشته‌اند. همچنین از نظر تأهل، بیش از دوسوم متأهل و مابقی مجرد بوده‌اند و از تمام گروه‌های شغلی در پاسخگویی به پرسشنامه استفاده شده است.

یافته‌های استنباطی

در بخش اول یافته‌های پژوهش به توصیف خصوصیات جامعه آماری و در این بخش به انجام آزمون‌های آماری برای تحلیل‌های مربوط به تبیین متغیر وابسته و ابعاد آن، توضیح متغیرهای مستقل، رابطه متغیرهای مستقل و وابسته در غالب رگرسیون پرداخته شده است.

تبیین متغیر وابسته و ابعاد آن

مانتریس ضرایب همبستگی متغیرها

- بررسی همبستگی متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی با آسیب‌های اجتماعی

جدول شماره (۳). ضریب همبستگی متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی.

متغیر	شاخص	آسیب‌های اجتماعی
پایگاه اقتصادی و اجتماعی	ضریب همبستگی	-۰۰۲۴
	سطح معنی‌داری	۰۰۰۳
	فراوانی مشاهده‌ها	۱۸۹

برای سنجش رابطه بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و متغیر آسیب‌های اجتماعی از همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتیجه این آزمون حاکی از آن است که رابطه مستقیمی در سطح معنی‌داری (۰۰۰۳) بین متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی و متغیر

65 بررسی بی‌سازمانی و آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای استان مازندران
 آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؛ یعنی با کاهش پایگاه اقتصادی و اجتماعی در مناطق
 حاد و بحرانی استان مازندران، آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. نتایج آزمون
 همبستگی در جدول شماره (۳) آورده شده است.

- بررسی همبستگی متغیر مناطق مسکونی متزلزل با آسیب‌های اجتماعی

جدول شماره (۴). ضریب همبستگی متغیر منازل مسکونی متزلزل.

متغیر	شاخص	آسیب‌های اجتماعی
منازل مسکونی متزلزل	ضریب همبستگی	۰,۲۵۱**
	سطح معنی‌داری	۰,۰۰۰
	فراوانی مشاهده‌ها	۱۸۹

برای سنجش رابطه بین منازل مسکونی متزلزل و متغیر آسیب‌های اجتماعی از
 همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتیجه این آزمون حاکی از آن است که رابطه
 مستقیمی در سطح معنی‌داری (۰,۰۰۰) بین متغیر منازل مسکونی متزلزل و متغیر
 آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؛ یعنی با افزایش منازل مسکونی متزلزل در مناطق حاد
 و بحرانی استان مازندران، آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. نتایج آزمون
 همبستگی در جدول شماره (۴) آورده شده است.

- بررسی همبستگی متغیر ناهمگونی و گوناگونی قومی با آسیب‌های اجتماعی

جدول شماره (۵). ضریب همبستگی متغیر ناهمگونی و گوناگونی قومی.

متغیر	شاخص	آسیب‌های اجتماعی
ناهمگونی و گوناگونی قومی	ضریب همبستگی	۰,۲۹**
	سطح معنی‌داری	۰,۰۰۰
	فراوانی مشاهده‌ها	۱۸۹

برای سنجش رابطه بین ناهمگونی و گوناگونی قومی و متغیر آسیب‌های اجتماعی، از
 همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتیجه این آزمون حاکی از آن است که رابطه
 مستقیمی در سطح معنی‌داری (۰,۰۰۰) بین متغیر ناهمگونی و گوناگونی قومی و متغیر
 آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؛ یعنی با افزایش ناهمگونی و گوناگونی قومی در مناطق
 حاد و بحرانی استان مازندران، آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. نتایج آزمون
 همبستگی در جدول فوق آورده شده است.

- بررسی همبستگی متغیر خانواده‌های ازهم‌گسیخته با آسیب‌های اجتماعی

جدول شماره (۶). ضریب همبستگی متغیر خانواده‌های ازهم‌گسیخته.

متغیر	شاخص	آسیب‌های اجتماعی
خانواده‌های ازهم‌گسیخته	ضریب همبستگی	۰,۳۱**
	سطح معنی‌داری	۰,۰۲۳
	فراوانی مشاهده‌ها	۱۸۹

برای سنجش رابطه بین خانواده‌های ازهم‌گسیخته و متغیر آسیب‌های اجتماعی از همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتیجه این آزمون حاکی از آن است که رابطه مستقیمی در سطح معنی‌داری (۰,۰۲۳) بین متغیر خانواده‌های ازهم‌گسیخته و متغیر آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؛ یعنی با افزایش خانواده‌های ازهم‌گسیخته در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران، آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. نتایج آزمون همبستگی در جدول شماره (۶) آورده شده است.

- بررسی همبستگی متغیر کنترل اجتماعی با آسیب‌های اجتماعی

جدول شماره (۷). ضریب همبستگی متغیر کنترل اجتماعی.

متغیر	شاخص	آسیب‌های اجتماعی
کنترل اجتماعی	ضریب همبستگی	-۰,۱۹
	سطح معنی‌داری	۰,۰۰۵
	فراوانی مشاهده‌ها	۱۸۹

برای سنجش رابطه بین کنترل اجتماعی و متغیر آسیب‌های اجتماعی از همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتیجه این آزمون حاکی از آن است که رابطه مستقیمی در سطح معنی‌داری (۰,۰۰۵) بین متغیر کنترل اجتماعی و متغیر آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؛ یعنی با کاهش کنترل اجتماعی در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران، آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. نتایج آزمون همبستگی در جدول شماره (۷) آورده شده است.

◇ - بررسی همبستگی متغیر عامل فردی با آسیب‌های اجتماعی

جدول شماره (۸). ضریب همبستگی متغیر عامل فردی.

متغیر	شاخص	آسیب‌های اجتماعی
عامل فردی	ضریب همبستگی	۰۰۳۵۷
	سطح معنی‌داری	۰۰۰۰۰
	فراوانی مشاهده‌ها	۱۸۹

برای سنجش رابطه بین عامل فردی و متغیر آسیب‌های اجتماعی از همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتیجه این آزمون حاکی از آن است که رابطه مستقیمی در سطح معنی‌داری (۰۰۰۰۰) بین متغیر عامل فردی و متغیر آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؛ یعنی با افزایش عامل فردی در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران، آسیب‌های اجتماعی نیز کاهش می‌یابد. نتایج آزمون همبستگی در جدول شماره (۸) آورده شده است.

- تحلیل چندمتغیره داده‌ها

جدول شماره (۹). نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره تعیین‌کننده‌های آسیب‌های اجتماعی.

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	sig	F اندازه	دوربین واتسون
۰۰۷۲۴	۰۰۵۲۴	۰۰۵۲۱	۰۰۰۰۰	۸۴۰۱۹۹	۱۰۷۵۷

جدول شماره (۱۰). ضرایب بتای متغیرهای مربوط به مدل رگرسیونی آسیب‌های اجتماعی.

متغیر	ضریب رگرسیون (B)	خطای استاندارد (SE)	ضریب رگرسیون استاندارد شده (Beta)	آماره T	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت	۰۰۵۱۲	۰۰۱۵۹	-	۳۰۲۲	۰۰۰۰۱
پایگاه اقتصادی و اجتماعی	-۰۰۴۵۹	۰۰۰۵۶	-۰۰۳۹۸	-۸۰۱۹۶	۰۰۰۰۰
مناطق مسکونی متزلزل	۰۰۴۴۳	۰۰۰۷۱	۰۰۲۴۹	۶۰۲۳۹	۰۰۰۰۰
ناهمگونی و گوناگونی قومی	۰۰۲۳۲	۰۰۰۵۱	۰۰۲۲	۴۰۵۴۹	۰۰۰۰۰
خانواده‌های ازهم‌گسیخته	۰۰۱۴۱	۰۰۰۳۶	۰۰۲۵۷	۳۰۹۲	۰۰۰۰۴

متغیر	ضریب رگرسیون (B)	خطای استاندارد (SE)	ضریب رگرسیون استاندارد شده (Beta)	آماره T	سطح معنی داری
کنترل اجتماعی	-۰,۲۱۲	۰,۰۱۹	-۰,۱۹	-۱۱,۱۶	۰,۰۰۵
عامل فردی	-۰,۱۳۱	۰,۰۲۹	-۰,۱۸	۴,۵۱۷	۰,۰۰۳

برای تعیین سهم تأثیرگذاری نسبی متغیرهای مستقل بر آسیب‌های اجتماعی از تحلیل رگرسیونی چندمتغیره استفاده شده است و همه متغیرها وارد معادله شدند که در مجموع (۵۲) درصد از تغییرات مربوط به آسیب‌های اجتماعی را این (۶) متغیر تبیین می‌کنند (جدول شماره ۱۰)؛ مابقی واریانس تبیین نشده متأثر از متغیرهای دیگری است که در مدل این پژوهش آورده نشده‌اند. از بین این (۶) متغیر، خانواده‌های ازهم‌گسیخته با ضریب بتای (۰,۲۵۷) تأثیرگذاری بیش از سایر متغیرها بوده است؛ یعنی با کنترل سایر متغیرها، به ازای یک واحد تغییر در پایگاه اقتصادی و اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی (۰,۳۹۸) واحد تغییر می‌کند. جدول‌های شماره (۹) و (۱۰) نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش از رویکردهای نظری بی‌سازمانی استفاده شده تا به تبیین علمی آسیب‌های اجتماعی پرداخته شود به عبارتی در بررسی‌های این مناطق متغیرهایی موردتوجه قرار گرفته که در چارچوب نظری مدل بی‌سازمانی سامپسون و گراوز مطرح‌اند (پایگاه اقتصادی و اجتماعی، مناطق مسکونی متزلزل، ناهمگونی و گوناگونی قومی و خانواده‌های ازهم‌گسیخته)؛ سپس به توصیف داده‌ها و تحلیل آن‌ها اقدام شده است. نگاهی به نتایج آزمون‌های آماری ابعاد آسیب‌پذیری اجتماعی نشان می‌دهد که این ابعاد از الگوهای خاصی تبعیت می‌کنند. الگوهایی که در سطح فضای محله‌ها شکل می‌گیرند، نتیجه مجموعه‌ای از فرآیندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و رفتاری است که مردم ساکن این محله‌ها از خود بروز می‌دهند؛ بنابراین برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در راستای توسعه اجتماعی، اقتصادی و عمرانی مناطق حاشیه‌ای درگرو ارزیابی درست از وضعیت موجود و به‌ویژه شناخت نیازهای مردم در تمام نقاط مختلف این مناطق است. تنها در این صورت است که فاصله میان تصمیم‌گیری مدیران با نیازهای واقعی مردم کم می‌شود و راه

برای حرکت به سوی توسعه پایدار هموار می‌شود. به همین منظور به بررسی آسیب‌پذیری اجتماعی در ابعاد پایگاه اقتصادی و اجتماعی، تحرک مناطق مسکونی، ناهمگونی و گوناگونی قومی، کنترل اجتماعی و عامل فردی پرداخته شده است.

در بعد پایگاه اقتصادی و اجتماعی: برای سنجش رابطه بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و متغیر آسیب‌های اجتماعی از همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتیجه این آزمون حاکی از آن است که رابطه مستقیمی در سطح معنی‌داری (۰۰۰۳) بین متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی و متغیر آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؛ یعنی با کاهش پایگاه اقتصادی و اجتماعی در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران، آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. در حقیقت یکی از بسترهای ایجاد نقاط بحرانی، بستر اقتصادی و اجتماعی است که البته نقش کمتری نسبت به سایر بسترها دارد و ناظر بر نوعی خاصی از کسب‌وکار و درآمد در نقاط آلوده است؛ نقاطی در مسیر بحرانی گام برمی‌دارند که توسعه این اقتصاد به گسترش آسیب‌های اجتماعی و ایجاد بستر برای رفتارهای نابهنجار کمک می‌کند. این نتیجه به‌نوعی با نتایج پژوهش‌های سامپسون و گراوز (۱۹۸۹)، حسین‌زاده (۱۳۹۶)، دهقانی و اکبرزاده (۱۳۹۶) و بیات (۱۳۹۷) همسو است.

در بعد مناطق مسکونی متزلزل: برای سنجش رابطه بین منازل مسکونی متزلزل و متغیر آسیب‌های اجتماعی از همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتیجه این آزمون حاکی از آن است که رابطه مستقیمی در سطح معنی‌داری (۰۰۰۰۰) بین متغیر مناطق مسکونی متزلزل و متغیر آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؛ یعنی با افزایش مناطق مسکونی متزلزل در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران، آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه به‌نوعی با نتایج پژوهش‌های سامپسون و گراوز (۱۹۸۹)، حسین‌زاده (۱۳۹۶)، ویلسون و کاساردا (۲۰۰۱) همسو می‌باشد.

در بعد ناهمگونی و گوناگونی قومی: برای سنجش رابطه بین ناهمگونی و گوناگونی قومی و متغیر آسیب‌های اجتماعی از همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتیجه این آزمون حاکی از آن است که رابطه مستقیمی در سطح معنی‌داری (۰۰۰۰۰) بین متغیر ناهمگونی و گوناگونی قومی و متغیر آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؛ یعنی با افزایش ناهمگونی و گوناگونی قومی در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران، آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد؛ از این رو می‌توان گفت آسیب‌پذیری در بعد میزان

ناهمگونی و گوناگونی قومی، از وضعیت نامناسبی برخوردار است. این نتیجه به نوعی با نتایج پژوهش‌های سامپسون و گراوز (۱۹۸۹) همسو می‌باشد.

در بعد خانواده‌های ازهم‌گسیخته: برای سنجش رابطه بین خانواده‌های ازهم‌گسیخته و متغیر آسیب‌های اجتماعی از همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتیجه این آزمون حاکی از آن است که رابطه مستقیمی در سطح معنی‌داری (۰/۲۳) بین متغیر خانواده‌های ازهم‌گسیخته و متغیر آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؛ یعنی با افزایش خانواده‌های ازهم‌گسیخته در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران، آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد؛ بنابراین می‌توان گفت آسیب‌پذیری در بعد میزان خانواده‌های ازهم‌گسیخته از وضعیت مطلوب‌تری نسبت به بعد پایگاه اقتصادی و اجتماعی و ناهمگونی و گوناگونی قومی و تحرک مناطق مسکونی و... برخوردار می‌باشد. این نتیجه به نوعی با نتایج پژوهش‌های سامپسون و گراوز (۱۹۸۹) همسو می‌باشد.

بعد کنترل اجتماعی: برای سنجش رابطه بین کنترل اجتماعی و متغیر آسیب‌های اجتماعی از همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتیجه این آزمون حاکی از آن است که رابطه مستقیمی در سطح معنی‌داری (۰۰۰۵) بین متغیر کنترل اجتماعی و متغیر آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؛ یعنی با کاهش کنترل اجتماعی در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران، آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد؛ بنابراین می‌توان گفت آسیب‌پذیری در بعد کنترل اجتماعی از وضعیت مطلوب‌تری نسبت به پایگاه اقتصادی و اجتماعی برخوردار می‌باشد.

در حقیقت افزایش کنترل اجتماعی رسمی مشارکت شهروندان در امور اجتماعی را می‌طلبد. هرچند کنترل رسمی و گشت‌های انتظامی پلیس و نیز کنترل‌های الکترونیکی نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ اما تا زمانی که شهروندان و اهالی محله در نظارت مشارکت نکنند، تلاش‌های رسمی و پلیسی نتیجه مطلوب نخواهد داشت و این نتیجه به نوعی با نتایج پژوهش‌های بیات (۱۳۹۷) و اکبری (۱۳۹۳) همسو می‌باشد.

بعد عامل فردی: برای سنجش رابطه بین عامل فردی و متغیر آسیب‌های اجتماعی از همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتیجه این آزمون حاکی از آن است که رابطه مستقیمی در سطح معنی‌داری (۰۰۰۰۰) بین متغیر عامل فردی و متغیر آسیب‌های

اجتماعی وجود دارد؛ یعنی با افزایش عامل فردی در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران، آسیب‌های اجتماعی نیز کاهش می‌یابد. این نتیجه به‌نوعی با نتایج پژوهش‌های والیس (۲۰۱۱) و اکبری (۱۳۹۳) همسو می‌باشد

با توجه به مواردی که در بالا به آن‌ها اشاره شد به نظر می‌رسد استفاده از تئوری بی‌سازمانی در مطالعه آسیب‌های اجتماعی مثمرتر باشد و از طریق این نظریه در مناطق حاشیه شهرهای استان مازندران، هم می‌توان الگوهای جنایی مناطق شهری را کشف کرد و هم از طریق آزمون‌های متواتر آن و پیدا کردن استنادهای تجربی، قوت و قدرت نظریه را افزایش داد.

پیشنهادها

۱- در رابطه با پرسش اول پژوهش که به آسیب‌های اجتماعی در مناطق بحرانی استان مازندران پرداخته است؛ پیشنهاد می‌شود همراه با شناسایی نقاط آسیب‌زای اجتماعی، سیاست‌های جدی و مستمر فقرزدایانه و کاهش نابرابری اجتماعی، اقدامات پیشگیرانه مؤثر با اتکا به ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد، توجه جدی به توسعه اجتماعی مناطق کمتر توسعه‌یافته، افزایش فرصت‌های برابر برای اشتغال، ازدواج و تفریح جوانان، گسترش سیستم حمایت اقتصادی-اجتماعی از اقشار محروم، و همچنین ارائه مهارت‌های آموزشی مناسب از قبیل آموزش مهارت‌های زندگی و فنی‌وحرفه‌ای در میان گروه‌های آسیب‌پذیر بر اساس رویکرد زیر از پیش در دستور کار سیاست‌گذاری اجتماعی قرار گیرد:

- مسئولان به‌منظور اجرای برنامه عملی پیشگیرانه، بخش‌های عمومی و خصوصی- ای که در زمینه پیشگیری از وقوع آسیب و جرم فعالیت دارند مانند نیروی انتظامی، اداره کار و امور اجتماعی، اداره آموزش و پرورش، شهرداری‌ها، شوراهای امور جوانان، بهزیستی و ... را هماهنگ کنند.

۲- در رابطه با پرسش دوم پژوهش که به پایگاه اقتصادی و اجتماعی آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران پرداخته است؛ با توجه به یافته‌های پژوهش، از آنجایی که عناصر پایگاه اقتصادی اجتماعی (منزلت، ثروت و ...) رابطه تنگاتنگی با آسیب‌های اجتماعی دارند؛ بنابراین در این مناطق حاد و

بحرانی نوعی خاصی از کسب و کار و درآمد وجود دارد. مناطقی که کام در مسیر بحرانی برمی دارند، بستری برای اقتصاد فاسد هستند و توسعه این اقتصاد به گسترش بحران و ایجاد بستر برای رفتارهای نابهنجار کمک می کند. در نتیجه نیاز است از مدل های برنامه ریزی، علمی و بومی در پیشگیری از آسیب های اجتماعی هر طبقه توسط مسئولان اجرایی، قضایی، انتظامی و... استفاده شود؛ بنابراین پیشنهاد می شود:

- دولت، سیاست ها و برنامه های خود را بر اساس اشتغال زایی تنظیم کند؛ زمینه های اشتغال را ایجاد و عوامل بیکاری افراد این مناطق را شناسایی و رفع کند؛

- مسئولان به تقویت و گسترش گروه های اجتماع محور محلی برای توانمندسازی و تسهیل برنامه های پیشگیری از آسیب های اجتماعی در مناطق بحرانی هر منطقه بپردازند.

۳- در رابطه با پرسش سوم پژوهش که به تأثیر مناطق مسکونی متزلزل بر میزان آسیب های اجتماعی در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران پرداخته است؛ نابهنجاری در ساختارهای شهری مرتبط با بعد مناطق مسکونی متزلزل در این پژوهش، شامل بافت فرسوده (متروکه بودن)، بافت های جدا افتاده از بافت اصلی محله، تعداد فضاهای بدون متولی و بدون کارکرد و ضعف در خدمات معماری، احساس محله به شهر را به همراه دارد. پیشنهاد می شود:

- در ساخت و ساز شهری باید به این موارد بالا توجه بیشتری شود تا مانع از این نوع افتراق شود.

۴- در رابطه با پرسش چهارم پژوهش، ناهمگونی و گوناگونی قومی بر میزان آسیب های اجتماعی در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران اثرگذار است. آن دسته از گروه های قومی که فرآیند انطباق با محیط اجتماعی-مسکونی را در خود نهادینه کرده اند، از سلامت رفتاری بیشتری نسبت به گروه های اجتماعی ناسازگار برخوردارند. بنا بر یافته های علمی حاصل شده، هراندازه افراد و گروه ها از هنجارهای فرهنگی خودشان دورتر شوند، به همان اندازه رفتارهایشان غیرعادی

- می‌شود و بخشی از گرایش‌های افراد و گروه‌ها به ارتکاب جرم را بایستی بر مبنای چنین جدا افتادگی فرهنگی تبیین کرد. ضریب رشد بالای جرائم در بین گروه‌های قومی مهاجر مؤید این ایده است؛ پیشنهاد می‌شود:
- راهکارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، روان‌شناختی و ... برای جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به نقاط دیگر کشور ارائه شود؛
 - وظایف و حوزه اختیارات سازمان‌ها و دستگاه‌های فرهنگی تصمیم‌ساز هر منطقه به‌منظور کاهش اصطکاک دستگاه‌های اجرایی با قومیت‌های ساکن در مناطق خاص حاد و بحرانی، شرح و تعیین شود.
- ۵- در رابطه با پرسش پنجم که خانواده‌های ازهم‌گسیخته بر میزان آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران تأثیر دارد، پیشنهاد می‌شود:
- دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی و حکومتی برای کلیه اعضاء خانواده در راستای تقویت روح جمعی و نفع اجتماعی در خانواده به‌جای نفع فردی، آموزش‌های مناسب زیر ارائه دهند:
 - آموزش‌های اجتماعی، روان‌شناختی، عاطفی و فرهنگی در راستای ارتباط عمیق بین اهداف و ابزار اجتماعی نهاد اجتماعی خانواده؛
 - ترویج مشارکت‌های عمیق و پایدار اعضاء خانواده در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی، عاطفی، اقتصادی و... برای ارتقاء این نهاد اجتماعی در سطح خرد و کلان؛
 - تقویت و استمرار سواد و آگاهی واقعی اجتماعی و فرهنگی برای کلیه اعضاء خانواده نسبت به پیامدهای آسیب‌زای خانواده؛
 - تدابیر و تمهیدات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای رفع نگرانی خانواده در زمینه بیکاری، مفاسد اجتماعی، فقر، تأمین رفاه اجتماعی و
- ۶- در رابطه با پرسش ششم که کنترل اجتماعی بر میزان آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران تأثیر دارد؛ پیشنهاد می‌شود:

- هرچند کنترل رسمی و گشت‌های انتظامی پلیس و کنترل الکترونیکی نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد اما تا زمانی که شهروندان و اهالی محله در نظارت‌ها مشارکت نکنند، تلاش‌های رسمی و پلیسی نتیجه مطلوب نخواهد داشت؛ بنابراین افزایش کنترل و نظارت عینی و ذهنی، مشارکت شهروندان در امور اجتماعی را می‌طلبد.
- دست‌اندرکاران امور فرهنگی، اقتصادی، قضایی و انتظامی جامعه باید تلاش همه‌جانبه، منسجم و هماهنگی را شروع کنند و راه‌های گسترش اعتیاد در سطح جامعه را مسدود کنند. از این‌رو لازم است که در حوزه فرهنگ، آموزش و هدایت افراد به‌سوی شغل خاص، به مسئله تربیت افراد توجه شود؛ به‌خصوص راهکارهایی برای نهادینه کردن دین و دستورات و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان و دانشجویان اجرا شود و منابع و کتاب‌های مغایر با مبانی دینی و عناصر فرهنگی جامعه تغییر کند.
- در حوزه قضایی و انتظامی نیز باید قوانین جزائی مناسب و بازدارنده‌ای تدوین شود تا دستگاه قضایی با قاطعیت تمام با قاچاقچیان و حامیان آن‌ها برخورد کند. ضروری است نیروی انتظامی بر قهوه‌خانه‌ها، کافی‌شاپ‌ها، کلپ‌ها، پارک‌ها و مهمان‌خانه‌های بین‌شهری نظارت بیشتری داشته باشد و امنیت معتادان را در این مکان‌ها سلب کند. مکان‌هایی که برای همه افراد جامعه آشکار است که محل توزیع و مصرف موادمخدر و فسادند، تبدیل به فضای سبز یا فضاهای آموزشی شوند تا حداقل آسیب‌ها را داشته باشد.
- ۷- در رابطه با پرسش هفتم که عوامل فردی بر میزان آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران تأثیر دارد، پیشنهاد می‌شود:
- با توجه به این‌که جوانان مجرم در ارتکاب جرم بیشتر به‌صورت گروهی عمل می‌کنند؛ توصیه می‌شود خانواده‌ها بر فرآیند دوست‌یابی فرزندان خود کنترل بیشتری داشته باشند. البته تشدید و افراط در این کنترل خود نیز می‌تواند آسیب‌زا باشد.

بدین‌وسیله از زحمات اساتید محترم راهنما و مشاور و همچنین دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان مازندران که در طول مدت اجرای این رساله این‌جانب را مورد حمایت و راهنمایی قرار دادند، تقدیر و تشکر می‌کنم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ابراهیمی، فلاح (۱۳۹۴). شناخت ابعاد و زمینه‌های مؤثر در فضای بی‌دفاع شهری.
- امیری، مجتبی؛ پورموسوی، سیدموسی؛ صادقی، منصوره (۱۳۹۲). آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، دوره (۲)، شماره (۵)، ص ۱۱۹-۱۳۷. بازیابی از:
http://iueam.ir/browse.php?a_id=62&sid=1&slc_lang=fa.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی با تأکید بر رسانه‌های جمعی عملکرد پلیس و بروز جرائم. فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره (۱)، شماره (۱)، ص (۳۱-۵۵). بازیابی از:
<http://ensani.ir/fa/article/28952>.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی احساس امنیت. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پروین، ستار (۱۳۹۱). مطالعه جامعه‌شناختی آسیب‌پذیری کارگران مهاجر فصلی در شهر تهران. رساله دکتری. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- حسین‌زاده، علی (۱۳۹۶). تبیین نقش فضاهای شهری در پیشگیری از وقوع جرائم خشن در شهر اصفهان.
- دهقانی، اکبر (۱۳۹۶). حاشیه‌نشینی همچون آپاندیست شهری تحلیل ثانویه.
- رامین، محمد (۱۳۹۵). بررسی عملکرد شهرداری تهران در حوزه مدیریت آسیب‌های اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رشته مدیریت خدمات اجتماعی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- ساعی، هادی (۱۳۹۰). بررسی مسائل اجتماعی از نگاه شهروندان، مدیران و صاحب‌نظران شهرداری تهران.
- ستوده، هدایت اله (۱۳۷۹). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: نشر آوای نور.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۶۴). فرهنگ علوم رفتاری. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عبدالهی، محمد (۱۳۶۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی، جزوه درسی، دانشکده علوم اجتماعی.
- Grattet, Ryken. (2009). The Urban Ecology of Bias Crime: A Study of Disorganized and Defended Neighborhoods. *Social Problems*, 56(1), 132-150. Retrieved: <https://doi.org/10.1525/sp.2009.56.1.132>
- Vito, Gennaro; Jeffrey, Maahs & Ronald M., Holmes. (2007). *Criminology Theory, Research, and Policy*. Jones & Bartlett.